

"سیاست يك بام و دو هوا"ی جامعه مشترك اروپا در قبال كوبای سوسیالیستی

ادامه محاصره اقتصادی کوبا و تشدید این محاصره از طرف افکار عمومی
دموکرات و مترقی جهان به مثابه تضمینات ضد انسانی بر کوبای سوسیالیستی
محکوم می شود. در این رابطه متن اعتراض نامه پارلمان اروپا به کمیسیون جامعه
مشترك اروپا به نظر خوانندگان گرامی "نامه مردم" می رسد:

می دهند که از ۸ روز قبل جنابعالی دستور کاملاً واضحی
جهت توقیف تمام کمک های مستقیم و غیر مستقیم به
کوبا را صادر کرده اید، زیرا حکومت کوبا حقوق بشر
را مراعات نمی کند.

این تصمیم احتمالاً همان چیزی باشد که در روزنامه
اسپانیایی "ال پایز" به تاریخ ۱۳ ژانویه و در روزنامه
فرانسوی "لوموند" به تاریخ ۲۵ ژانویه مبنی بر معلق
ادامه در ص ۷

آقای کمیسر!
اخیراً توسط پیر گالان، دبیر اول سازمان غیر
انتقاعی اوکسفان (OXFAN) بلژیک از موضوعی با خبر
شدیم که به اعتقاد ما فوق العاده نگران کننده است.
آقای گالان روز ۶ فوریه به کمیسیون جامعه
مشترك اروپا مراجعه و تقاضای فوری کمک مواد غذایی
(۲۵۰ تن شیر خشک) برای کودکان، پیران و مادران
کوبایی می کند. سرویس های شما به ایشان اطلاع



شماره ۳۷۳، دوره هشتم،
سال هفتم، ۲۵ فروردین ۱۳۷۱

برنامه حزب توده ایران

مصوب سومین کنگره حزب توده ایران

پیشگفتار

۱- جهان، در آستانه هزاره سوم درحال تغییر و تحول عمیق است. تحولات و دگرگونی ها در
کشورهای اروپای شرقی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موازنه قدرت در جهان را به طرز
یکجانبه ای به نفع آمریکا و متحدانش تغییر داده است.

آنچه که امروز "نظم نوین جهانی" نامیده می شود، تنها به مفهوم یکه تازی امپریالیسم آمریکا و
متحدانش در عرصه سیاست جهانی و تشدید فشار و گسترش مداخلات در کشورهای جهان سوم
است. یورش وسیع نظامی آمریکا و متحدانش به خلیج فارس با استفاده از پوشش سازمان ملل متحد،
و قتل عام وحشیانه هزاران انسان بی گناه در منطقه، تشدید فشار بر کشورهایمانند کوبا، ویتنام
و ...، فشار بر جنبش های ملی و استقلال طلب در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، و فشار آمریکا و
اسرائیل برای تحمیل صلح دختواه خود به خلق های عرب و خصوصاً مردم فلسطین، از نمونه های این
"نظم نوین جهانی" است.

۲- مذاکرات طولانی میان دو کشور ایالات متحده و اتحاد شوروی که به نتایج مثبتی در زمینه
کاهش برخی از انواع سلاحهای هسته ای انجامیده بود، با فروپاشی اتحاد شوروی اهمیت تاریخی خود
را از دست داد. نادرست خواهد بود اگر تصور شود که پایان جنگ سرد به معنی کاهش خطر جنگ
هسته ای در جهان است. تداوم یکجانبه انباشت سلاحهای کشتار جمعی در کشورهای امپریالیستی،
از بین رفتن کنترل مرکزی بر سلاحهای هسته ای موجود در اتحاد شوروی سابق، و تمایل پاره ای از
کشورهای جهان به دست یابی به تکنولوژی تولید و مونتاژ سلاحهای هسته ای، بیولوژیک و شیمیایی،
در مجموع صلح و امنیت جهان را بیش از پیش به مخاطره انداخته است.

۳- سالهای میانی دهه هشتاد شاهد روی کار آمدن رهبری جدیدی در حزب کمونیست اتحاد
شوروی و به دنبال آن آغاز روند دگرگونسازی در این کشور و سایر کشورهای سوسیالیستی در
اروپای شرقی بود. این روند که با هدف دگرگون ساختن سوسیالیسم و زیر شعار "سوسیالیسم بیشتر"
آغاز شد، در عمل نتوانست دستاوردهای موجود را به نفع توده های زحمتکش بسط و گسترش دهد
و این کشورها را از قید بوروکراسی و مشکلات عظیم اقتصادی - سیاسی رها سازد. خیانت بخشی از
رهبران احزاب کمونیست حاکم به آرمان های سوسیالیسم، نقش موثری در فروپاشی نظام های
موجود در این کشورها بازی کرد.

روند تلاشی سیستم جهانی سوسیالیستی، که امپریالیسم همواره خواهان آن بود، در عمل به
تکوین نوع جدیدی از دیکتاتوری زیر پوشش دموکراسی در این کشورها منجر شد. روحیه ملی

ادامه در صفحه ۴، ۵، ۶ و ۷

مفهوم "انتخابات" و "آزادی" از دیدگاه سخنگویان رژیم "ولایت فقیه"

روند تحول اجتماعی که پس از
فوت خمینی در جمهوری اسلامی
آغاز گردیده است،
قابل کنترل و مهار شدنی نیست.

با تشدید درگیری های اجتماعی و
برخوردهای جناح های مختلف حاکمیت،
کلیدی ترین مسایل سیاسی مملکت و مواضع
و برداشت مختلف سردمداران حکومتی به
شکل روشن و بی پرده ای در روزنامه های
مجاز جمهوری اسلامی انعکاس پیدا
می کند. بازتاب این نظرات به روشنی
دیدگاه های اجتماعی کسانی که سرنوشت
مردم میهن ما را به دست گرفته اند در
معرض قضاوت عام قرار می دهد.

اخیراً پس از اعتصاب گسترده
کارکنان روزنامه "کیهان" در تهران و انتشار
این خبر در برخی روزنامه های مجاز
جمهوری اسلامی، مهدی نصیری، مدیر
مسئول روزنامه "کیهان" در يك جلسه پرسش
و پاسخ تلاش کرد تا "توضیحاتی" پیرامون
این واقعه در اختیار نمایندگان مطبوعات قرار
دهد. وی که از یاران نزدیک گروه

ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

گوشه ای از واقعیت تلخ

نماینده مردم نقره:

"در اثر يك سياست غلط و تفرقه برانگيز، شهر نقره به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است. بطور کلی در قسمت شمالی مردم از همه امکانات شهری و تسهیلات رفاهی برخوردارند و کلیه ادارات و نهادهای انقلابی و حتی ترمینال شهر، جایگاه فروش بنزین و سایر امکانات به این منطقه منتقل شده است، به عکس در منطقه جنوبی شهر، هیچ اداره و امکانات دولتی، یا تسهیلات رفاهی را نمی توان دید."

- آقای نماینده این وضع تنها مختص به شهر شما نیست، بلکه این وضعیتی است که بر تمام شهرها و حتی بر تمام جامعه ما حاکم است. بهتر بود از شهرها و هزاران روستایی هم یاد می کردید که "شمالی" به آن معنای که شما توضیح می دهید ندارند و عموماً گرفتار وضعی نظیر "جنوب" شهر شما و در بسیاری جهات بدتر از آن هستند.

شود که مورد تأیید "ولی فقیه" باشد و آنکس آزاد است که کوچکترین مخالفتی با نظام کنونی نداشته باشد.

واقعیات جامعه و نیازهای رو به رشد اجتماعی چنین برداشتی را نمی تواند در دراز مدت تحمل کند. آقای خامنه ای بیهوده تلاش می کند تا به شیوه مانورهای خمینی و با به نعل و به میخ زدن موقعیت خود را بر فراز جناح های درگیر حفظ کند. اعتبار وی دیرگاهی است که حتی در میان طرفداران رژیم نیز از بین رفته است. وی وسیله مناسبی است برای پیش بردن برنامه ای که قاعدتا در انتها به نابودی خود او نیز منجر خواهد شد.

اکثریت مردم کشور ما دیرگاهی است تشنه دستیابی به دموکراسی و آزادی هستند و در این راه مبارزه می کنند. این مبارزه دیر یا زود به ثمر خواهد نشست. روند تحول اجتماعی که پس از مرگ خمینی در جمهوری اسلامی آغاز گردیده است، قابل کنترل و مهار شدنی نیست. وظیفه نیروهای سیاسی، تحول طلب و طرفدار دموکراسی است که با شرکت فعال و هماهنگ در این روند، شتاب بیشتری به آن داده و جامعه را برای تحول قطعی جهت پایان دادن به "رژیم ولایت فقیه" آماده سازند.

کسانی که از تحول و رفرم در جامعه سخن می رانند و دائماً مدعی اند که جمهوری اسلامی آزادترین کشور جهان است، چنین لخت و عریان در دفاع از دیکتاتوری داد سخن می دهند. بنظر ما پاسخ این سؤال روشن است، سردمداران حکومت جمهوری اسلامی، از جمله آقای نصیری در عمل اثبات کرده اند که کوچکترین باوری به آزادی و دموکراسی ندارند. با چنین دیدگاهی نمی توان تحول سیاسی و اجتماعی در جامعه را آغاز کرد و برنامه بازسازی اقتصادی کشور را به پیش برد.

امروز در کشور ما، مبارزه مشخص و گسترش یابنده ای برای پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" در جریان است. این مبارزه تمامی ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ما را تحت الشعاع خود قرار داده است. گروه حاکم به رهبری رفسنجانی - خامنه ای که هم اکنون اکثر اهرم های دولتی را در اختیار دارند، جناحی است که علیرغم تظاهر به "میان روی" و "رفرم طلبی" با شدت و حدت از حفظ "اصل ولایت مطلقه فقیه" دفاع می کند و با استفاده از انواع اهرم ها، برنامه حذف کامل مخالفین از مجلس چهارم را طرح ریزی می کند.

حزب توده ایران عملکرد سران رژیم جمهوری اسلامی را ملاک ارزیابی این مقامات می داند نه ادعاهای آنان. چگونه می توان به حرف آقای رئیس جمهور پیرامون آزادی در جمهوری اسلامی باور داشت، هنگامی که بر اساس اعتراف صریح نزدیکان ایشان نظر مردم اصولاً کوچکترین تأییری در سرنوشتشان، در جمهوری اسلامی نخواهد داشت. حرف همان است که "ولی فقیه" زده است که، "کسی که فتنه گری می کند، چوب لای چرخ نظام می گذارد، نباید وارد مجلس بشود."

چنین است درک سران جمهوری اسلامی از آزادی و انتخابات، آنکس می بایستی "انتخاب"

مفهوم "انتخابات" و "آزادی" ...

رفسنجانی- خامنه ای است در سخنان خود ضمن حمله شدید به روزنامه "سلام" و تهدید تلویحی دست اندرکاران تهیه این نشریه مطالبی را پیرامون برداشت سران رژیم "ولایت فقیه" از آزادی و انتخابات مطرح کرد که ما بخش هایی از آن را در اینجا عیناً ذکر می کنیم!

"یکی از مسئولان روزنامه سلام اخیراً در کلاسهای درس دانشکاهی خود، صریحاً اعلام می کند که اندیشه "ولایت مطلقه فقیه" را قبول نداشته و معتقد به "ولایت مشروط" فقیه است، ضمن اینکه معتقد است مشروعیت حکومت و نظام از جانب آرای مردم است نه خداوند و معیارهای حیاتی و دینی، در حالیکه... از بدیهیات دینی و الهی است که مشروعیت حکومت اسلامی منبث از خداوند و معیارهای قرآنی و اسلامی است و آنچه به آرای مردم بر می گردد مقبولیت یک حکومت است. اگر نظر این آقا صحیح باشد، نتیجه اش این می شود که اگر اکثریت مردم یک کشوری گفتند که ما یک حکومت لائیک و غیر مذهبی می خواهیم، آن حکومت مشروع خواهد بود! واضح است که این اعتقاد همان نظریه دموکراسی غرب است..."

روشن تر از این نمی توان به دیکتاتور بودن، عدم تحمل نظر مخالف و عدم اعتقاد به خواست ها و آراء مردم اعتراف کرد.

بدیهی است که چنین نظریه ای هیچگونه قرابتی با اصول انسانی و پذیرفته شده در سراسر جهان و مندرج در منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد ندارد. نکته ای که در اینجا جای تأمل و اندیشیدن دارد، آنست که چگونه



برنامه حزب توده ایران

مصوب سومین کنگره حزب توده ایران

۱- در عرصه جهانی

تحولات در عرصه بین‌المللی، قبل از هرچیز، با مسئله حیاتی بقا و یا نابودی تمدن بشری ارتباط دارد. آغاز جنگ هسته‌ای، یعنی نابودی بشریت. منوطاً همه طبقات و لایه‌های اجتماعی در سراسر جهان باید به یک اندازه در جلوگیری از بروز جنگ و انفجارات هسته‌ای، و حفظ صلح و تأمین امنیت ذینفع باشند. اصل اولویت ارزش‌های همه بشری نسبت به منافع طبقاتی به مثابه یکی از اصول مهم نوین در برخورد به مضلات بین‌المللی، ریشه در درک این واقعیت دارد.

به این دلیل حزب توده ایران:

۱- اصل اولویت ارزش‌های همه بشری را می‌پذیرد. این امر، در ارتباط با درک انباشت خطرناک سلاح‌های کشتار جمعی و خطر بروز جنگ و انفجارات ویرانگر هسته‌ای است؛
۲- ارزش‌های همه بشری را جدا از آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی نمی‌داند؛
۳- ارزش‌های همه بشری را شامل؛
- خلع سلاح کامل هسته‌ای، نابودی سلاح‌های موجود و توقف تولید آنها؛

- کاهش سلاح‌های عادی؛

- جلوگیری از جنگ‌های منطقه‌ای؛

- حق انسانها در تعیین سرنوشت خویش؛

- نفی استفاده از زور در مناسبات میان کشورها؛

- دموکراتیزه کردن مناسبات بین‌المللی و پایان دادن به سیادت سیاسی و اقتصادی امپریالیسم؛

- اجرای کامل مفاد منشور حقوق بشر توسط همه دولت‌ها؛

- مبارزه با گرسنگی و فقر و بیسوادی در سراسر جهان و ایجاد شرایط لازم برای پایان دادن به واپس ماندگی اقتصادی کشورهای جهان سوم؛ و نیز

- مبارزه در راه سالم‌سازی محیط زیست می‌داند.

حزب توده ایران:

- عمیقاً به پیوند ناگسستنی میان منافع طبقاتی و ارزش‌های همه بشری باور دارد. معتقد به وجود طبقات در هر جامعه است و بروز تضادها و اختلاف‌ها را محصول مستقیم و اجتناب‌ناپذیر آن می‌داند؛

- بیکار در راه صلح پایدار را وظیفه مستمر خود می‌شناسد و از سیاست هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها دفاع می‌کند؛

- اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را به معنای قاطعیت در دفاع از اصول و انعطاف‌پذیری در تاکتیک، سازش در حل مسایل سیاسی مورد اختلاف میان دولت‌ها و نفی تفکر دکماتیک و سکتاریستی در برخورد به مضلات بین‌المللی می‌داند؛

- خواهان انحلال پیمان ناتو و دیگر پیمان‌های نظامی در سراسر جهان است؛

- خواهان کاهش بودجه تسلیحات نظامی و قرار دادن آن در خدمت رشد اقتصادی و تأمین زندگی شرافتمندانه برای انسان‌ها است؛

- خواهان استقرار مناسبات دوستانه و برابر حقوق بین‌المللی کشورهای جهان است؛

- از مبارزات خلق‌های جهان سوم و تمامی نیروهای مترقی و دموکراتیک در سراسر جهان در راه صلح، آزادی، دموکراسی، عدالت و پیشرفت اجتماعی و علیه امپریالیسم پشتیبانی می‌کند

گرایی اوج گرفت و به طور فزاینده‌ای به جنگ‌های برادرکشی در کشورهای سوسیالیستی فرا روید. اثرات منفی این روند از هم اکنون بسیاری از خلق‌های محروم دیگر کشورهای جهان را نیز به کام خود فرو برده است.

۴- به نظر حزب توده ایران، اندیشه و آرمان سوسیالیسم در مفهوم عام شکست‌ناپذیر است. اصل تکامل جوامع بشری از یک صورتبندی اجتماعی به صورتبندی عالی‌تر، همچنان معتبر بوده و از اینرو دوران سرمایه‌داری نیز خاتمه پیدا خواهد کرد و صورتبندی متکامل‌تری جای آن را خواهد گرفت.

تا زمانی که جوامع بشری به طبقات متخاصم تقسیم شده‌اند، و تا هنگامی که بی‌عدالتی، فقر و ظلم در جهان حکومت می‌کند، مبارزه در راه رسیدن به جامعه‌ای عاری از این مشکلات، میلیون‌ها انسان در سراسر جهان را به مبارزه در راه این آرمان‌های والا و همه بشری فرا خواهد خواند و راه آینده روشن و انسانی‌تری را خواهد گشود.

۵- بدون حل مضلات سترگ مربوط به بخش اعظم ساکنان کره زمین که در جهان سوم بسر می‌برند، از هیچ تحول فراگیر در عرصه بین‌المللی نمی‌توان سخن به میان آورد. کشورهای جهان از لحاظ اقتصادی به دو گروه تقسیم شده‌اند: رشديافته صنعتی و واپس مانده اقتصادی. در هیچ دورانی از تاریخ بشر، این همه نعم مادی در جهان تولید نمی‌شد. اما، این نعم بطور عمده در حیطه دسترسی چند کشور رشد یافته صنعتی است. در اکثر کشورهای جهان فقر، گرسنگی و عقب ماندگی اقتصادی وحشتناکی حکمفرماست.

حرف برسر زدودن آن‌ها. فاجعه بار فقر و فلاکت، نجات میلیون‌ها انسان از گرسنگی و بیماری، تأمین اشتغال برای صدها میلیون انسان، تأمین یک زندگی انسانی برای مردم جهان سوم است. این شکاف عمیق بین سطح زندگی مردم جهان سوم و مردم کشورهای صنعتی پیشرفته بیش از هرچیز محصول بهره‌کشی امپریالیستی از این کشورها است. باید به این وضع غیرقابل تحمل پایان داده شود.

۶- حفظ محیط زیست از جمله ارزش‌های همه بشری است که تمام طبقات و ملل در آن شریک هستند. با توجه به صدماتی که طی دهه‌ها از جانب کشورهای پیشرفته صنعتی به محیط زیست وارد شده است، مردم در سراسر جهان روز به روز آگاهانه‌تر خواستار حفظ محیط زیست برای نسل خود و آیندگان می‌شوند. حفظ محیط زیست در بسیاری مواقع مستلزم بکار گرفتن روش‌های پرخرج‌تر و کم سودتر می‌باشد. از اینرو، موفقیت در این عرصه از جمله بدون کمک مالی و تکنیکی کشورهای پیشرفته جهان بسیار مشکل و بعید به نظر می‌رسد.

صدمات وارده به محیط زیست در پی جنگ در خلیج فارس که امروز به آلودگی شدید سیستم اکولوژیکی منطقه منتهی شده است، توجه به حفظ سلامت محیط زیست در منطقه خلیج فارس را، که به واسطه تمرکز عظیم صنایع نفت همواره در معرض آلودگی جدی قرار دارد، ضروری می‌سازد.

اینها از جمله مضلاتی هستند که مسائل کنونی جهان را بدون توجه به آنها نمی‌توان حل و فصل کرد.

تحول در عرصه بین‌المللی
و مواضع حزب توده ایران

۲- در عرصه داخلی

حزب توده ایران مبارزه در راه آزادی اندیشه، بیان و ایجاد روابط اجتماعی برپایه انسانی (هومانستی) و همبستگی و همدردی میان انسانها را در مرکز اهداف خود قرار می دهد.

هر شهروند، هر گروه و لایه اجتماعی و ملی و هر نیروی سیاسی دمکراتیک باید دارای حقوق برابر در زمینه ارائه آزاد نظرات و عقاید و اندیشه های خود باشد و بتواند در محیط سالم دمکراتیک از آنها دفاع کند. مراعات بدون تبعیض آزادی های دمکراتیک و احترام به شخصیت و منیت انسان، صرفنظر از اینکه در کدام پله طبقاتی قرار گرفته باشد، شرط اولیه آزادی و دمکراسی مورد نظر حزب است.

برخورد عقلایی با واقعیات جامعه، توجه به منافع نیروهای محرکه، درک شرایط مشخص تاریخی ایران و وزن مخصوص هر یک از اجزای نیروهای محرکه در آن، سنگپایه خط مشی سیاسی حزب به ویژه در راه ایجاد تحولات ریشه ای اجتماعی در مقیاس داخلی است. حزب توده ایران در این مرحله از مبارزه برای منافع همه خلقی، یعنی خواستهای دمکراتیک عام ارجحیت قائل است و می کوشد تا از چپ روی یا راست روی در سیاست که خواه ناخواه به اشتباه منجر خواهد شد، به پرهیزد.

حزب توده ایران، ایجاد سازمان مخفی در دوران کار علنی و قانونی حزب با هر شکل و مضمونی را مطرود می داند. حزب ما اعلام می دارد که فعالیت حزب در ایرانی آزاد و مستقل و دمکراتیک کاملاً علنی خواهد بود و اعمال آن از طریق مطبوعات در معرض قضاوت عام قرار داده خواهد شد.

حزب توده ایران، نظر نادرست شناسایی مارکسیسم به مثابه مجموعه ای از نسخه های از پیش آماده شده و رهنمودهای خشک و جامد را رد می کند و با هرگونه الگوپردازی مخالف است. حزب از اشکال گوناگون اصلاحات اجتماعی - اقتصادی صریحش برای برون رفت از بحران ساختاری و تامین رفاه توده های محروم صرفنظر از مجریان آن، دفاع خواهد کرد.

حزب، مبارزه در راه آزادی و دمکراسی، صلح و عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت قتیبه" را یگانه سیاست معقول و منطقی در شرایط ایران می داند و دستیابی به دمکراسی را هدف عمده و شرط اصلی ایجاد جو فعال و سالم برای تکامل جامعه می شمارد و خواهان دمکراسی پارلمانی و اقتصادی به همراه خودگردانی شهرها و استانها است.

حزب توده ایران دمکراسی را به معنای:
- مراعات کامل آزادی های دمکراتیک،
- آزادی احزاب و اجتماعات و سندیکاها و اتحادیه های صنفی،
- آزادی بیان و قلم و عقیده و باورهای مذهبی،
- احترام به منشور حقوق بشر و اجرای بدون قید و شرط اصول آن، و

- پذیرش پلورالیسم سیاسی و اقتصادی می داند.
حزب، برای طرد اصل "ولایت قتیبه" به مثابه هسته مرکزی ایدئولوژیک - سیاسی حاکمیت کنونی اهمیت ویژه ای قائل است. رسیدن به این هدف مستلزم تحول ساختاری در حاکمیت، از طریق ایجاد یک حکومت دمکراتیک متکی بر اراده واقعی مردم و تدوین قانون اساسی نوین با مضمون نفی حکومت تکوکراتیک - استبدادی و نیز جدایی دین از حکومت است.

حزب خواهان استقرار حاکمیت خلق درعالی ترین سطح آن است، حاکمیتی که تفاهم اکثریت شهروندان بر اساس تبادل نظر آزاد، بنیاد آن را تشکیل دهد. چنین شکلی فقط در محدوده یک حکومت حقوقی تحقق پذیر است.

حزب توده ایران با توجه به کثیرالمله بودن ایران،
- شکل حکومتی "جمهوری فدرال" را ارجح می شمارد و در این راه مبارزه می کند،
- مخالف هرگونه تظاهر ملی گرای و شوینتیسیم عظمت طلبانه

است؛

- برای حفظ تمامیت ارضی کشور در جهان پرتلاطمی که احساسات ملی در سراسر آن اوج می گیرد، معتقد به دادن حق تشکیل مجلس و دولت ملی به خلق های ساکن ایران در محدوده جمهوری فدرال است؛

- به فرهنگ و زبان و سنن و آداب خلق های ساکن ایران احترام می گذارد و با هرگونه عمل قهرآمیز در مقابله با خواستهای انسانی و عادلانه خلق ها مبارزه می کند؛

- برآن است که فقط با دادن حق تعیین سرنوشت به خلق ها در چارچوب ایران واحد و دمکراتیک می توان به همبستگی و وحدت خلق ها برای حل مضلات مشترک عظیم اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، دست یافت؛

- حق اقلیت های مذهبی ساکن ایران را به برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و فرهنگی خود به رسمیت می شناسد؛

- طرفدار تامین استقلال اقتصادی - سیاسی ایران در جهان دارای وابستگی متقابل و یکپارچه است. منظور از استقلال سیاسی، منفرد ساختن کشور از جامعه بین المللی نیست، هدف تعیین سرنوشت حال و آینده کشور به دست ایرانی است.

حزب توده ایران؛

- در راه عدالت اجتماعی مبارزه می کند و در این زمینه دفاع از منافع توده های زحمتکش - کارگران و دهقانان - و نیز کسبه و پیشه وران و کارمندان و روشنفکران را مد نظر دارد.

- از عدالت اجتماعی متکی بر اشکال گوناگون مالکیت که به همه شهروندان و طبقات و لایه های مختلف اجتماعی امکان برابر برای تحقق خواستهای خویش در جهت اعتلای کشور بدهد، حمایت می کند؛

- خواهان تامین اجتماعی برای همه است و دستیابی به بالاترین سطح اشتغال را هدف قرار می دهد؛

- در راه ایجاد یک سیستم تامین اجتماعی که به طور موثر در حفاظت از حقوق بازنشستگان، اقشار کم درآمد، معلولین، کودکان بی سرپرست و بیماران عمل نماید، مبارزه می کند؛

- ایجاد یک سیستم فراگیر و ملی بهداشت را که خدمات بهداشتی و درمانی مورد نیاز تمامی اقشار جامعه را صرفنظر از تعلق طبقاتی آنان تامین کند از ضروریات اولیه می شناسد و در این راه مبارزه می کند؛

- اصلاحات ارضی به سود دهقانان، تجدید ساختمان روستاها، کمک به دهقانان از طریق ایجاد شرایط برای کشت و داشت و برداشت را عامل تعیین کننده در افزایش تولید محصولات کشاورزی تا سطح خودکفایی نسبی می داند؛

- خواهان لغو کلیه قوانین تصویب شده در جمهوری اسلامی علیه زنان میهنان و تحقق بخشیدن به برابری حقوق زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است؛

- در راه شناسایی و تضمین حق تشکیل آزادانه سازمان های صنفی (سندیکا، اتحادیه، شورا، تعاونی و غیره) برای کلیه کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در مقیاس واحد کار، رشته کار و در مقیاس سراسری مبارزه می کند؛

- معتقد به نقش حساس روشنفکران و هنرمندان در تامین پیشرفت جامعه و بالابردن سطح فرهنگی آن است و از منافع آنها دفاع می کند؛

- تنها راه تضمین پیشرفت اجتماعی را در ایجاد یک سیستم یکپارچه آموزش و پرورش ملی که دربرگیرنده بخش های آموزش ابتدایی، متوسطه، حرفه ای و آموزش عالی باشد، می داند و معتقد است که تنها در چنین سیستم فراگیری تمام مردم ایران، صرفنظر از تفاوت های ملی، مذهبی، طبقاتی و جنسی، حق استفاده برابر از امکانات آموزشی را خواهند داشت؛

- ایجاد شرایط اجتماعی برای تحقق حقوق اساسی جوانان برای شرکت در حل مسائل مربوط به خود را ضرور می شمارد؛
- دفاع از خانواده و تامین زندگی نسبتاً مرفه برای بازنشستگان

پدیده عمیقاً منفی محصول خصلت صنایع مونتاژ بود که نیازی به کارگر آموزش دیده و ماهر نداشت.

ضخف مجموعه بورژوازی ایران و اینکه حاضر نبود در عصر انقلاب علمی - فنی در صنایع سرمایه بر دارای آینده سرمایه گذاری کند و به دستیابی به سود هرچه زودتر و هرچه سریع تر بسنده کرد. به موازات ضخف ساختاری طبقه کارگر و رشد ناموزون بخش خدمات به مثابه منبع رشد بیسابقه لایه های میانی و بینابینی و عدم امکان تشکیل آنها، خواه ناخواه روینای خاصی را تقویت کرد که ققط با توسل به زور می توانست حکومت کند.

انقلاب بهمن ۵۷ که منطقا و از لحاظ عینی برای پایان دادن به این سیستم روینایی تحقق یافت، در عمل ناکام ماند، و توانست اهداف اولیه خود را تحقق بخشد. درست است که در آغاز، لایه میانی از بورژوازی دولت را اداره کرد. اما، این گروه نیز به علت ناتمام ماندن رشدش، نمی توانست در رویارویی با خمینی به عنوان "سخنگوی خلق" عرض اندام کند. قبضه انحصاری حاکمیت از جانب خمینی و یارانش، بیانگر آن بود، که راه هرگونه پیشروی جامعه مسدود خواهد بود. عملاً نیز چنان شد.

سیاست رژیم، ساختار بورژوازی را معیوب تر کرد. حفظ صنایع وابسته که معنایی جز حفظ نظام "سرمایه داری وابسته" نداشت و تکیه بر استراتژی صنایع کوچک زمینه را برای رشد بیسابقه "عقب مانده" ترین و انکل ترین لایه بورژوازی - بورژوازی تجاری، واسطه و صراف - آماده کرد. این نیز به تشدید وابستگی انجامید.

مدل اجتماعی - اقتصادی رژیم "ولایت قتیبه" به افزایش کمی سریع لایه های بینابینی در کلیه زمینه ها منجر گردید. این سیاست روینای نوین دیکتاتوری را این بار با نقاب مذهبی که مانند گذشته می بایست از حربه ترور و اختناق برای حفظ موجودیت خود استفاده کند، بوجود آورد. سیاست "جنگ، جنگ تا پیروزی" خمینی، ضربه مهلکی بر پیکر اقتصاد بیمار ایران وارد آورد. کارگاههای مونتاژ به علت نبود مواد اولیه و قطعات یدکی و مواد نیم ساخته یا تمطیل شدند و یا تولیدشان به حداقل ظرفیت کاهش یافت. میلیونها انسان بیکار به "بازار کار" افزوده شد. جنبش اعتصابی کارگری که ضعیف بود، باز هم ضعیف تر شد. "ادامه جنگ"، گسترش رشوه خواری و سوء استفاده روحانیون دست اندرکار معاملات خارجی را، موجب گردید. و لایه بورژوازی بوروکراتیک نسل جدید را در کشور بوجود آورد. این لایه تاثیر زیادی در تدوین و اجرای سیاست داخلی و خارجی دارد.

در سال های پس از انقلاب به علل گوناگون، از جمله افزایش بی حد کارکنان بخش دولتی و نهادها و بنیادهای گوناگون نخواست و نیز ایجاد کارگاههای کوچک و گسترش شبکه توزیع کالا به مثابه پردرآمدترین "فعالیت اقتصادی"، لایه های بینابینی و میانه، جای مهمی را در ساختار جامعه به خود اختصاص دادند. هر نوع تحول در آینده، بدون توجه به خواست های این لایه ها و بدین ترتیب شرکت فعال آنها در مبارزه، ممکن نخواهد شد.

در این مورد نباید نقش دهقانان کم زمین و بی زمین را نیز از نظر دور داشت. این یک قشر وسیع در روستاهاست و تاثیر خود را بر رویدادهای کشور برجای خواهد گذاشت. مهاجرت روبه تزاید روستائیان از هستی ساقط شده به شهرها لایه نوینی از "حاشیه نشینان" را در تهران و اکثر شهرهای بزرگ ایران بوجود آورده است.

مجموعه این عوامل که نتیجه سیاست رژیم حاکم است، کشور را با بحران ساختاری رویرو کرده است. این روند به همراه تاثیر منفی مبارزه جناحهای گوناگون در هرم حاکمیت و پیرامون آن برسر قبضه انحصاری حاکمیت، هم بورژوازی صنعتی و هم اکثر لایه های بینابینی را از رژیم دور می کند. سرمایه که نیاز به ثبات و امنیت و آزادی عمل دارد به خارج منتقل می شود. گسترش بحران در ژرفا و پهنا به بی ثباتی رژیم می انجامد.

نبود سرمایه، ترابری، مواد اولیه، لوازم یدکی، کالاهای نیم ساخته، قطعات منفصله، ماشین آلات، نیروی انسانی ماهر، تکنیک و

را از وظایف اصلی خود می داند؛

- بنا بر خصلت ملی و میهن دوستانه اش مدافع تمامیت ارضی ایران است و به همین سبب خواهان نوسازی نیروهای مسلح از طریق ایجاد ارتشی دمکراتیک، مجهز به سلاح های تدافعی است و وظیفه ارتش را دفاع از مرزهای ایران می داند؛

- مخالف استفاده از ارتش برای سرکوب جنبش های اعتراضی است. از این نظر نگهداری "سپاه پاسداران انقلاب" را که به یک نهاد سرکوبگر تبدیل شده، زائد می داند و خواهان الغای آن است؛

- برآن است که دکترین نظامی حکومت دمکراتیک باید دفاعی و منعکس کننده خواست مردم دایر بر پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و تبدیل آن به منطقه غیرهسته ای، و تأمین صلح و امنیت و کاهش بودجه نظامی تا حد متناسب با دکترین نظامی دفاعی باشد؛

- خواهان انحلال "وزارت اطلاعات" و دیگر ارگان های سرکوبگر و ایجاد نیروهای دمکراتیک انتظامی در خدمت مردم برای حفظ نظم و انضباط در جامعه در محدوده قانون است؛

- تفکیک فعالیت سه قوه قانونگذاری و اجرایی و قضایی و تأمین استقلال قوه قضایی را شرط لازم برای دمکراتیزه کردن جامعه می داند. ققط قانون باید در کشور حکمروا باشد و همه در برابر آن متساوی الحقوق باشند.

برنامه رشد اجتماعی - اقتصادی

در ایران مناسبات سرمایه داری مخدوش حاکم است. ماهیت روینای سیاسی، ضد دمکراتیک و استبدادی است. استبداد در هر شکلش سد راه پیشرفت اجتماعی است و رشد واقعی نیروهای مولد را غیرممکن می سازد. وقتی خودکامگی در پوشش مذهبی تجلی می کند، تاثیر منفی آن شدت می یابد و مانع دستیابی به استقلال اقتصادی مورد نظر می شود. اما، استقلال هم جدا از آزادی و دمکراسی نیست و مجموعه آنها پیوند ناگسستنی با ماهیت رشد اقتصادی دارند. در عصر پیشرفت سریع انقلاب علمی - فنی، رشد اقتصادی، بدون مراعات اکید پلورالیسم سیاسی، که برای انتخاب مساعدترین و ثمربخش ترین مدل اقتصادی رشد ضرورت دارد، مقدور نیست.

تجربه سال های پس از انقلاب بهمن ۵۷ نشان داد که رژیم تئوکراتیک حاکم بر ایران، نه تنها قادر نشد میزان وابستگی به تجدید تولید کشورهای رشد یافته صنعتی را کاهش دهد، بلکه آن را ژرفتر نیز کرد و با جلوگیری از رشد اقتصادی - اجتماعی و "واپس راندن" سیر آن، انواع تضادهای نوین بر تضادهای قبل از انقلاب بهمن ۵۷ افزود. عملکرد رژیم استبداد مذهبی از سویی و ناتمام ماندن و در مواردی حتی "عقب" رانده شدن رشد موزون طبقات و لایه های اجتماعی از سوی دیگر از عوامل اصلی بروز وضع بحرانی کنونی در جامعه است.

رشد ناهنجار بورژوازی در ایران تاریخ طولانی دارد و محصول سیاست رژیم حاکم گذشته در عرصه اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بود. لایه ویژه "بورژوازی صنعتی - مالی" گذشته با درهم آمیزی سرمایه های داخلی و خارجی (تحت کنترل دومی) و با تکیه بر تجدید تولید کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای استفاده از تکنیک و تکنولوژی و مواد نیم ساخته و خام آنها رشد یافت. این لایه اجتماعی که در کوتاه مدت توانست قدرت اقتصادی عظیمی را در دست خود متمرکز سازد، به علت "مصنوعی" بودن رشدش، قادر نشد به حاکمیت سیاسی دست یابد. و این یکی از شاخه های سیاست رژیم حاکم بود که حتی المقدور مانع رشد موزون و قانونمند بورژوازی به مثابه یک نیروی سیاسی موثر در اداره امور کشور، گردید.

مشابه این روند، البته به شکل دیگری در سیر تکاملی طبقه کارگر جریان داشت. ساختار طبقه کارگر به علت عدم وجود صنایع کلیدی و تولید صنعتی به معنای واقعی، نیمه تمام باقی ماند. هشتاد درصد کارگران ایران در آن ایام بی سواد و یا کم سواد بودند. این

جبهه واحد

استراتژی سیاسی حزب توده ایران متوجه عملکرد موثر مدل سه نوع مالکیتی رشد به معنای پلورالیسم اقتصادی و سازماندهی جنبش همه خلتی برای دفاع از مدل جدید در محدوده پلورالیسم سیاسی است. این مکانیسم ها باید در چارچوب یک جبهه واحد مرکب از همه نیروها و شخصیت های سیاسی هوادار آزادی و دموکراسی، موثرتر و کاراثر عمل کنند.

حزب، این جبهه را یگانه نیروی محرکه مبارزه در راه طرد رژیم "ولایت ققیه" می داند و شعار "مرکه با مانیست دشمن ماست" را نادرست می شمارد.

حزب توده ایران اعلام می کند:
- آماده مبارزه مشترک در کنار همه احزاب و سازمان های دموکراتیک از جمله شخصیت های سیاسی و جریان های سیاسی - مذهبی است؛

- معتقد به استفاده از معیارهای نوین به معنای رد هرگونه "بدبینی" و "پیشداوری" با تکیه بر نکات مشترک است؛
- "دشمنی" در برخورد اندیشه ها و عقاید احزاب و سازمان های سیاسی و سیاسی - مذهبی برخاسته از بطن جامعه را غیراصولی می داند؛

- به مسابقه مسالمت آمیز خط مشی ها و برنامه های گوناگون اعتقاد دارد و تحمل دگراندیشان حامل عقاید و برنامه های سیاسی مختلف را شرط ضرور تبادل اندیشه ها و مسابقه برنامه ها و تجلی فرهنگ سیاسی می داند؛

- جبهه واحد، ارگانی است برای تجمع نیروهای ضد رژیم در مقطع زمانی معین، با سمت گیری مشخص به منظور دستیابی به مقدم ترین هدف ممکن. پذیرش این هدف و پیروی از آن به معنای عدول احزاب و سازمانها از مواضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بازتاب یافته در برنامه هایشان نبوده و نیست؛

- مبارزه در راه جبهه واحد نیروهای دموکراتیک را نه هدفی تاکتیکی، بل هدفی استراتژیکی می داند.

برخاسته از این دیدگاه، حزب توده ایران تشکیل "جبهه واحد" را یک ضرورت تاریخی و میهنی در لحظه کنونی می داند. به این سبب وظیفه سیاسی حزب گسترش هرچه بیشتر پایه های اجتماعی خود در جامعه به منظور ایفای نقش هرچه فعالتر در جبهه واحد است.

حزب توده ایران باید کار در میان کارگران و متمرکز ساختن فعالیت در کارخانه های بزرگ را تسریع بخشد. در عین حال باید کار روشنگری میان لایه های بینابینی را هرچه بیشتر توسعه دهد. حزب توده ایران همیشه از منافع دهقانان کم زمین و بی زمین دفاع کرده است. به موازات ادامه این سیاست، حزب توجه به خواسته های دهقانان میانه حال را نیز مد نظر قرار می دهد. حزب باید در شهرها و روستاها پایگاه اجتماعی خود را گسترش بخشد.

مبارزه حزب در راه آزادی و دموکراسی و صلح و عدالت اجتماعی از طریق طرد رژیم "ولایت ققیه"، هدف مبین و مشخص پیشرفت اجتماعی را تعقیب می کند. برای دستیابی به این هدف، شرکت همه مردم ضرورت دارد. این نیز به نوبه خود مستلزم دوری از پندارگرایی و نتیجه گیری از واقعیات جامعه و دوری گزیدن از دکماتیسم و سکتاریسم است.

حزب توده ایران صریحا اعلام می کند که با درک ویژگیهای شرایط جامعه و آرایش نیروهای سیاسی و اجتماعی، آماده همکاری با همه اقشار و طبقات اجتماعی منجمله بورژوازی و همه سازمان های آنها ام از سیاسی و سیاسی - مذهبی است. این همکاری فقط مشروط به پذیرش و مراعات آکید پلورالیسم سیاسی است.

تکنولوژی بومی، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی در مقایسه با سال های قبل از انقلاب بهمین ۵۷، کاهش سرسام آور تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی، انباشت ثروت در یک قطب محدود و فقر در قطب گسترده، ناسالمی محیط کسب و کار، گرانی سرسام آور، تورم فزاینده، گرسنگی، بی سرپناهی خانواده ها و "خیابان خوابی"، بیفوله نشینی، بیماری، بی سوادی، بیکاری روزافزون، گسترش اعتیاد و فحشا و فساد از ویژگیهای رژیم "ولایت ققیه" در آغاز دهه دوم حاکمیت روحانیون و آخرین دهه سده بیستم است. گسست شیرازه اجتماعی - اقتصادی و فقدان امکان پیوند دادن مجدد آن، یکی از مهمترین معضلات کشور است. در شرایط ادامه ساختار کنونی حاکمیت متکی بر اصل "ولایت ققیه"، راه برون رفت از بن بست وجود ندارد. رژیم می تواند با اخذ وام با بهره سنگین بیماری مزمن اقتصادی را فقط اندکی تسکین دهد.

ایران از نظر اقتصادی و اجتماعی در زمره کشورهای عقب مانده قرار دارد. در شرایط رشد سریع انقلاب علمی و فنی، کشور هنوز فاقد تولید و تجدید تولید صنعتی به معنای آنچه در کشورهای پیشرفته صنعتی جریان دارد و متکی به اقتصاد تک کالائی و وابسته به درآمد نفت است. برای آنکه بتوان در فاصله زمانی کوتاه سیر این روند را متوقف ساخت، باید مناسب ترین راه رشد اجتماعی - اقتصادی در مرحله حاضر را انتخاب کرد. باید چنان راه رشدی را برگزید که بتوان از همه امکانات داخلی و خارجی برای متوقف ساختن سیر قهقهرائی جامعه و تامین خودکفایی نسبی استفاده بهینه کرد.

به باور حزب توده ایران، مدل رشد اجتماعی - اقتصادی قبل از هرچیز باید منافع همه مردم و سرنوشت کشور را در مرکز توجه خود قرار دهد. حل مشکلات عظیم اقتصادی، مالی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، فقط با شرکت طبقات و لایه های گوناگون جامعه امکان پذیر است.

حزب توده ایران با تحلیل عمیق و همه جانبه ساخت جامعه، آرایش نیروها و نیز ضرورت بهره گیری از همه امکانات مادی و معنوی برای تامین رشد سریع اقتصادی در شرایط کنونی، وجود سه نوع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی را در کشور ضرور می داند و عدول از این مدل را به هر دلیلی، مابین مصالح ملی می شمارد.

حزب توده ایران، طرفدار بخش دولتی دموکراتیک است. این بخش باید علاوه بر رشته های استراتژیکی، فقط در صنایع کلیدی سرمایه بر که بخش خصوصی حاضر به سرمایه گذاری در آنها نیست، فعالیت کند.

حزب توده ایران مخالف انحصار مالکیت دولتی و یا رشد بی کنترل آن است.

حزب توده ایران در عین مخالفت با افزایش نامحدود قدرت اقتصادی دولت، مخالف حاکمیت بخش خصوصی سرمایه داری بر اقتصاد نیز هست.

حزب توده ایران پشتیبان مالکیت تعاونی و گسترش آن برای دستیابی به عدالت اجتماعی است و با همه توان از منافع شرکت های تعاونی دفاع خواهد کرد.

حزب توده ایران مشوق بهره گیری از همه امکانات بخش های تعاونی و خصوصی برای رقابت سالم با بخش دولتی است.

حزب توده ایران برای پیشبرد هرچه سریعتر رشد اجتماعی - اقتصادی متکی بر مدل سه نوع مالکیتی، معتقد به شرکت فعال ایران در تقسیم کار بین المللی است.

حزب توده ایران برآن است که هم کارگران، هم بورژوازی و هم لایه های بینابینی، باید در اداره تولید، شرکت فعال داشته باشند. فقط در این صورت، می توان حکومت دارای ثبات سیاسی بوجود آورد. چنین حکومتی روینای دموکراتیک اقتصاد سه نوع مالکیتی خواهد بود. حزب توده ایران معتقد است که دهقانان صاحب زمین باید راسا سرنوشت خویش را بدست گیرند و در صورت تمایل می توانند در تعاونی های تولیدی شرکت کنند.

"عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان گزارشی درباره سومین کنفرانس حزب توده ایران منتشر ساخته که ما خلاصه ای از ترجمه آنرا به اطلاع خوانندگان خود می‌رسانیم؛

"در طول ۵۰ سال، ۴۳ سال ممنوعیت"

در این گزارش از جمله چنین می‌خوانیم؛ صدر حزب توده ایران در سخنان خود به هنگام گشایش کنفرانس موقعیت حزب را تحلیل و نظریات خود را درباره فعالیتهای حزب و انتقادات خود را در موارد مشخص بیان نمود.

بحث پیرامون شکست کشورهای سوسیالیستی در شرق اروپا جای مهمی در کنفرانس داشت. شرکت کنندگان (نمایندگان) در کنفرانس نسبت به "نظم نوین" که از جانب ایالات متحده آمریکا پیش گرفته شده است، موضع گرفتند. بعد از بحث های همه جانبه و خلاق که چند روز به طول انجامید، سندی پیرامون وضع ایران و جهان به تصویب رساندند. همچنین نمایندگان در کنفرانس موفق شدند برنامه و اسناد جدید حزب را با اکثریت آراء از تصویب بگذرانند. در این اسناد وجود یک حزب مارکسیستی - لنینیستی لازم و غیر قابل اجتناب توضیح داده شده است. در اسنادنامه حزب توده ایران آمده است: "حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران است... جهان بینی حزب توده ایران مارکسیست - لنینیست و هدفهای دور و نزدیک، مشی سیاسی و سازمانی آن از انطباق خلاق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی می‌شود."

این کنفرانس سندی است عینی و روشن برای رد ادعاهای سران جمهوری اسلامی ایران که می‌خواهند حزب توده ایران را نابود و مردم معرفی کنند، زیرا در شرایطی که ضربات سنگینی به آن وارد شده است و نزدیک به تمامی رهبران و همچنین بسیاری از کادرها و اعضای آن به دست جلادان خمینی اعدام شده اند، تشکیل گردیده است.

تاریخ حزب توده ایران طی ۵۰ سال موجودیتش نشان داده است که حزبی همانند حزب توده ایران را که ریشه هایی قوی در طبقه کارگر ایران و اقشار روشنفکر دارد، نمی‌توان نابود کرد. ۴۳ سال از فعالیت حزب توده ایران در تاریخ ۵۰ ساله اش در شرایط مبارزه مخفی سپری شده است.

"سیاست یک بام و دو هوا"ی ...

کردن تمام همکاری ها با کوبا عنوان شده بود. این تصمیم اعلام شده در روزنامه ها بخودی خود واقعا ما را متاثر کرد. در مرحله اول به این دلیل که بر روی سیاست "یک بام و دو هوا" استوار است. نظر به اینکه جامعه مشترک اروپا روابط فوق العاده حسنه و نزدیکی از نظر سیاسی و اقتصادی با بسیاری از کشورهای که روابط انسانی را مراعات نمی‌کنند و حکم اعدام را به موقع اجرا می‌گذارند، دارد. دوم اینکه گروگان گرفتن مردم به حساب حکومت محسوب می‌شود. ما شاهد پیامدهای وخیم محاصره اقتصادی کوبا توسط آمریکا بوده ایم و لذا ۷۸ نماینده پارلمان اروپا به همین دلیل در اکتبر سال گذشته تقاضای لغو این تحریم را توسط روزنامه "لوموند" اعلام کردیم.

تصمیم شما در اواخر ماه ژانویه امسال مبنی بر لغو و ممنوعیت ارسال کمک های انسانی به کوبا اقتضای به مراتب بالاتر و مساوی است با حکم اعدام هزاران انسان بی گناه.

با توجه به مراتب فوق ما ۶۲ تن از نمایندگان پارلمان اروپا تقاضای لغو هر چه سریعتر این سری تصمیمات غیرعقلانه را داریم و به طریق اولی خواستار از سر گیری ارسال کمک های غذایی ضروری برای کودکان، پیران و مادران کوبایی توسط سازمان غیردولتی (ONSS)، هستیم.

امضا ۶۲ تن از نمایندگان پارلمان اروپا

مجددا توسط "کمیسیون حقوق بشر"

رژیم جمهوری اسلامی محکوم شد

خود وفا نکرد، بلکه با ضرب المجل یک هفته ای خروج کارمندان این موسسه بین المللی را از ایران طلب کرده است.

محکومیت رژیم "ولایت فقیه" توسط کمیسیون حقوق بشر یک بار دیگر نشان داد که هیچ تغییری در سیاست رژیم مبنی بر سرکوب مخالفان و لگدمال کردن آزادیهای فردی و اجتماعی بوجود نیامده است.

لازم به یادآوری است که پس از انتخاب نماینده جمهوری اسلامی به عنوان "معاون کمیسیون حقوق بشر"، نمایندگان رژیم در سوئیس از مدتها قبل از انتشار این خبر توسط کمیسیون... تلاشهایی را برای حذف جمهوری اسلامی از فهرست کشورهای نقض کننده حقوق بشر بعمل آورده بودند.

در بیانیه در کنار نام جمهوری اسلامی از کشورهای کویت، عراق و اسرائیل نیز به عنوان دولتهای نقض کننده حقوق بشر در خاورمیانه اسم برده شده است.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ضمن انتشار بیانیه ای در ژنو، رژیم جمهوری اسلامی ایران را برای چندمین بار متوالی بخاطر نقض حقوق بشر محکوم کرد. در بیانیه ضمن اشاره به ادامه اعدامهای وسیع به تضعیقات دیگر رژیم علیه شهروندان ایرانی پرداخته است. از جمله به فشار بر نویسندگان و خبرنگاران ایرانی از جانب رژیم طی سال گذشته اشاره گردیده است.

انتشار این خبر در حالی صورت گرفت که رژیم از مدتها پیش برای فریب اذهان عمومی و جلب سرمایه های خارجی برای سرمایه گذاری در ایران با انجام مانورهای وانمود می‌کرد که از این پس در زمینه مسائل حقوق بشر با سازمانهای بین المللی همکاری خواهد کرد. مثلا اینکه رژیم در ظاهر پذیرفته بود که سازمان صلیب سرخ می‌تواند منبذ از زندانهای ایران سرکشی به عمل آورد. رژیم نه تنها به این وعده توخالی

در اسرائیل از هر ۶ نفر یک نفر زیر خط فقر زندگی می‌کند

نسبت به اعراب ساکن این کشور است. به عنوان نمونه در اسرائیل کمک عائله مندی به خانواده های یهودی از فرزند اول و به خانواده های عرب از فرزند سوم شروع می‌شود.

صاحب نظران بر این عقیده اند که گسترش فقر در اسرائیل ناشی از این واقعیت است که بیش از دو سوم بودجه دولت این کشور صرف هزینه های نظامی و سرکوب فلسطینی ها در مناطق اشغالی می‌شود. به عنوان مثال، یک سوم بودجه سال ۱۹۹۲ وزارت مسکن اسرائیل به ساختن خانه برای اسرائیلیان ساکن مناطق اشغالی اختصاص داده شده است، در حالیکه بسیاری از خانه های موجود در مناطق اشغالی از هم اکنون خالی مانده اند.

ارقام منتشره از سوی جناح چپ در مجلس اسرائیل حاکی از این است که در حالیکه تعداد خانه های ساخته شده در مناطق اشغالی در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۲۰۰۰۰ بوده است، صدها هزار خانواده فقیر ساکن اسرائیل از داشتن خانه محروم بوده اند.

طبق گزارش "یوسی تامیر"، رئیس موسسه بیمه ملی (اجتماعی) اسرائیل، در سال ۱۹۹۰ از هر ۶ نفر اسرائیلی یک نفر زیر خط فقر زندگی کرده و در سال ۱۹۹۱، مسکنت بخش بزرگی از جمعیت این کشور نسبت به سال ۱۹۹۰ تعمیق یافته است. بر طبق آمار رسمی در سال ۱۹۹۰، ۵۳۷۷۰۰ نفر - یعنی ۱۶/۹ درصد اتباع اسرائیل - زیر خط فقر زندگی کرده اند. نرخ فقر در سال ۱۹۸۹، ۱۴/۶ درصد بوده است.

تعداد کودکان فقیر به ویژه افزایش شدیدی را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۰، ۲۳/۳ درصد از کودکان اسرائیلی با شکمی گرسنه سر به بالین گذاشته اند و حتی امکان بردن غذا به مدرسه را نداشته اند. این رقم برای سال ۱۹۸۹، ۱۸/۶ درصد بوده است. نگران کننده تر از همه ارقام مربوط به کودکان عرب ساکن اسرائیل است که در سال ۱۹۹۰، ۶۰ درصد آنها زیر خط فقر زندگی را به سر برده و می‌برند. این اختلاف فاحش بیش از هر چیز ناشی از وجود تبعیض در قوانین جاری اسرائیل

**پیام همبستگی احزاب برادر به
سومین کنگره حزب توده ایران**

پیام همبستگی حزب کمونیست اطریش

رتقای عزیز!
از برگزاری کنگره حزب شما در ماه فریه
اطلاع حاصل کردیم.
برای کمیته مرکزی، برای تمام حزب در تحقق
بخشیدن به تصمیمات متخذه در کنگره از جمله
احیای وحدت عمل تمام نیروهای دموکراتیک صرفنظر
از تفاوت های عقیدتی، برای مبارزه در راه احیای
دموکراسی در کلیه زمینه های اجتماعی و نیز برای
تحکیم وحدت نیروهای رزمنده حزب و گسترش
دموکراسی درون حزبی آروزی موقتیت می کنیم.

با درودهای رقیقانه
کمیته مرکزی حزب کمونیست اطریش

پیام همبستگی حزب کار بلژیک

به کمیته مرکزی حزب توده ایران!
حزب کار بلژیک به مناسبت برگزاری موقتیت
آمیز سومین کنگره پر اهمیت حزب شما صمیمانه
ترین درودها و تبریکات خود را به حزب شما تقدیم
می دارد.

با گرمترین درودهای کمونیستی
کمیته مرکزی حزب کار بلژیک

تعجب آور است!

"بین خودمان باشد، اما آیا بانک جهانی نباید
بیشتر صنایع آلوده ساز را به سوی کشورهای عقب
مانده راهی سازد؟"

این برخلاف ظاهر آن يك شوخی با فال بد نیست. سؤال
توسط یکی از مدیران اکونومیست بانک، آقای ساموز در
اسنادی که وی بین چند تن از همکاران خود به تاریخ ۱۲
دسامبر ۱۹۹۱ توزیع کرده، مطرح شده است. آقای ساموز
که فردی دارای مسولیت می باشد، امسال در يك گزارش
پرخواننده ریختن مواد سمی را در کشورهای جهان سوم که
به لحاظ اقتصادی عقب مانده هستند مطلوب می داند، زیرا
دفن این مواد در مناطق مزبور به مراتب هزینه کمتری بر می
دارد. وی کشف کرده است که "کشورهای کم جمعیت آفریقا
خیلی کم دچار آلودگی هستند" و تأیید می کند که قترا
به بیماری های ناشی از آلودگی (مثلا سرطان پستان) کمتر
از اهالی کشورهای ثروتمند اهمیت می دهند.

خبرهایی کوتاه از: اتحاد شوروی (سابق)

۹۰ درصد زیر خط فقر

بنا به گزارش "تریبون زحمتکشان" چاپ مسکو، سطح زندگی مردم این شهر در پایان سال ۱۹۹۱ بدنبال آزاد سازی قیمت ها، نسبت به سال ۱۹۹۰، ۳ برابر پائین تر فرآمده است. معاون شهردار مسکو، یوری لویکف توضیح داد که ۹۵ درصد اهالی شهر مسکو در حال حاضر زیر خط فقر زندگی می کنند.
به موجب آمار همین روزنامه اکنون برای تامین حداقل زندگی يك نفر ۱۹۴۴ روپل لازم است، در حالیکه يك کارگر روسی به طور متوسط ۹۰۰ روپل درآمد دارد که باید با آن چند نفر زندگی کنند.

گاریاچف برای یلتسین تبلیغ می کند

"من میل دارم که یلتسین موفق شود، چرا که وی ادامه دهنده همان راهی است که من آغاز کردم".

این حرف را گاریاچف زمانی بر زبان جاری می سازد که در محافل عمومی (روسی) سیاست یلتسین و پیامدهای این سیاست هر روز روشن تر می گردد و مردم با تظاهرات گسترده و متعدد خود علیه آن به مخالفت برمی خیزند.
یکی از مطبوعات ژاپنی در مصاحبه با گاریاچف به مشاجرات سختی که وی در سمت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی (سابق) با یلتسین داشته است، اشاره می کند.
گاریاچف توضیح می دهد که آنها فقط روش های تاکتیکی و احیاناً روحیه های مختلف و متفاوت بوده اند.

در مصاحبه دیگری با روزنامه "لا استابیا" چاپ ایتالیا، مشخصاً اظهار می دارد که: "مدل استالینی سوسیالیسم از همان ابتدا ماجراجویانه بود". وی در عین حال "تز" مورد علاقه اش را که جهان اکنون به تمدن جدیدی پاگذارده است و بدین علت مجاز نیست تا کاپیتالیسم و سوسیالیسم در مقابل یکدیگر قرار گیرد" را تکرار می کند.

کمک های "بلاغوز" غرب و آمریکا

به اتحاد شوروی (سابق)

از اوائل فوریه سال ۱۹۹۲ به این طرف همچنان کمک های "بلاغوز" آمریکا و متحدانش به اتحاد شوروی (سابق) ادامه یافته است.
جیمز بیکر، وزیر امور خارجه آمریکا در این باره خاطر نشان ساخت که این موارد را نمی توان به هیچ وجه قطع و ققط به حساب هومانیسیم خالص گذاشت. وی دقیقاً تأکید نموده است که حکومت ایالات متحده آن را به مثابه کمکی می شناسد تا در روسیه "جامعه ای مبتنی بر بازار آزاد" پایه گذاری شود.

فروش زیر دریایی

و دیگر کشتی های جنگی

مارشال شاپوشنیکف، رئیس کل ستاد ارتش اتحاد شوروی (سابق) در يك گردهمایی ارتشیان در مینسک فاش ساخت که چندی قبل ۴۹ زیر دریایی و دیگر کشتی های جنگی که در جنوب اوکراین متمرکز بودند، فروخته شده اند.
این فروش با "کمک مخصوص يك شرکت سهامی" که به همین منظور تاسیس گردیده، صورت پذیرفته است.